برای دفاع از پروژه بازسازی فرهنگ همه کسانی را که مانع کنش مثبت دولت هستند از خودتان دور کنید

این شطرنج ۲ وزیر نیاز دارد

میلاد جلیل‌زاده - عاطفه جعفری
گروه‌فرهنگ

یکی از موارد مشهور خودسری در مواجهه فرهنگی شده است، لغو چند کنسرت موسیقی در وزارت کشور و ایجاد تنش در کنسرت «گروه لیان» بود. چند مرد که ادعا می‌شود منتسب به وزارت کشور هستند در این معرکه حضور داشتند. فارغ از اینکه انگیزه این افراد چه بوده، یک اتفاق مهم در فضای سیاسی و اجتماعی کشور رخ داده که در نوع خود جالب بوده و اکثریت نسبت به این رفتارها سلبی واکنش نشان داده‌اند. وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی رسما اعلام کرده که کنسرت‌های لغوشده در تالار وزارت کشور، در موقعیت و زمان دیگری جبران خواهد شد و چند روز بعد هم محمد مخبر، معاون اول رئیس‌جمهور، در جلسه هیات دولت خطاب به همه دستگاه‌ها و نهادها گفت: «همه دستگاه‌ها باید به محورهای رسمی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی برای برگزاری مراسم‌های فرهنگی احترام بگذارند و در صورت وجود برخی اشکالات احتمالی، این مسائل را از طریق عرض صادرکننده مجوز پیگیری کنند.» عزت‌الله ضرغامی وزیر میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی هم در توییت معناداری نوشت: «دو گروه با برگزاری «کنسرت» مخالفند. گروهی که کلا شادی جمعی و موسیقی را ابتدائی می‌دانند و با نام «دین» آن را برنمی‌تابند و گروه دیگری که کلا شادی مردم را مغایر با راهبرد سیاسی خود می‌دانند و دنبال برهم زدن تجمع‌های شادی‌آفرین هستند.» همچنین محمد الطهرانی، مدیرکل دفتر موسیقی وزارت ارشاد بعد از ماجرای برهم خوردن نظم کنسرت لیان در تالار وحدت، به «فرهیختگان» گفت: «تقاضای ما این است که اولا به نقش مرجعیتی این وزارتخانه احترام گذاشته شود و در وهله بعد نهادها مسائل مدنظرشان یا نقاط ضعف را به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی منعکس کنند تا نسبت به رفع آنها اقدام کند و از ورود مستقیم به مسائل پرهیز کنند.» این اظهارات معاون اول رئیس‌جمهور یا مدیران فرهنگی، آنقدر بدیهی است که حرف عجیب و تازه‌ای به‌نظر نمی‌رسد و نشانگان آشکاری است از اینکه جریان غالب در بدنه دولت به‌شدت مخالف هرگونه خودسری در فضای فرهنگی است. وقتی عقل جمعی در دولت این گونه شور و نشاط فرهنگی در کشور را پاسبانی می‌کند، یعنی باید نسبت به اظهارنظر افراد و جریان‌هایی که خودشان را منتسب به هر کدام از وزارتخانه‌ها بودند، شک کرد و این احتمال دور از ذهن نیست که هر کدام از وزرای دولت سیزدهم هم بعد از اطلاع نسبت به خودسری افراد زیرمجموعه‌هایشان، مطابق همان چهارچوب نظری حاکم در دستگاه فرهنگی دولت برخورد کنند.

هر گونه اختلال در خرجمند دستگاه فرهنگی اتفاقات باعث می‌شود راه برای کاسبان بحران و تنش در فضای فرهنگی باز شود. یکی از کاسبان این معرکه، خبرنگار معلوم‌الحالی در حوزه موسیقی است که پایبز سال گذشته آتش‌بیار جریان تحریم فضاهای هنری بود و حالا که شرایط تغییر کرده، دایه دلسوزتر از مادر برای وضعیت کنسرت‌های موسیقی شده است. تنش و بحران در فضای موسیقی برای هر کسی سود نداشته باشد برای همچون اویی که کاسب بحران‌آفرینی در فضای موسیقی است، بی‌فایده نیست.

جماعت هزینه‌تراش بی‌فایده را از خود دور کنید

اتفاقات پس از فوت مهسا امینی روزگار عجیبی برای ایران و ایرانی‌ها رقم زده که از هر نیمروز آن می‌توان یک قرن حکایت کرد و تفسیر نوشت. انگار عده‌ای هیچ ابایی از این نداشتند که دیوانه به‌نظر برسند. نه‌تنها وعده‌به‌وعده سقوط حاکمیت یافتح شهرها و نهادها رامی‌دادند یا عملا دعوت به خشونت می‌کردند، بلکه جوسنگینی به‌راه انداخته بودند تا هیچ چیز زندگی مردم عادی و معمولی نباشد. حال آنها که دلسوزان عقلانیت‌مدار ایران بودند، به دلیری می‌ماند که از بخت بد خویش در لشکر دشمن پسری داشت. بسیاری از آنها که با این موج همراه شده بودند فرزندان خود ما، فرزندان ایران بودند، حتی بعضی از چهرایی که جرقه افتراض در مواجهه با آنها شکل گرفت، منطقی و قابل بحث به‌نظر می‌رسید. اما ماجرا از مدار یک اعتراض هدفمند، هرچند سنگین و مصرانه خارج شده بود و داشت به یک لجبازی کور تبدیل می‌شد. آنچه کشور در چنان شرایطی نیاز داشت، گفت‌وگوی منطقی بود. تندروی از هر دوطرف ماجرا می‌توانست باد به این آتش ببندازد و شعله‌هایش را تنوره‌بیشتری بدهد. قطعا کسی که آزادانه این تنش‌ها و بیست گفتمانی سود می‌برد، دشمن بود نه خودی‌ها. در هر زمان عده‌ای سعی داشتند به نام انقلابی‌گری و دفاع از نظام، تمایلات تندتیز و تفرقه‌افکنانه‌شان را دوباره مطرح کنند؛ حال آنکه در پایخ به موج برخاسته نیاز بود هر آدم دلسوز و ایران‌دوستی، قایش را سپیسیم و در سرتاسر شهر بکوبیم و... نخیر! چه کسی گفته بعد از این آشوب‌ها کسانی که آن همه آشوب خسته‌شان کرده، با این تندروی‌های جدید کنارمی‌آیند. آیاندیدید وقتی رئیس ستاد امر به معروف ونهی از منکر که ماجرای مهسا امینی در دوره تصدی‌گری اورخ داد و پس از آن هم اظهارنظرهای شاذ می‌کرد، عزل شد بین خودی‌های نظام چه شعفی برپا شد؟ ندیدید چقدر لحن بدرفه او در فضای مجازی بین همین خودی‌ها شدید و انتقادآمیز بود؟ ندیدید وقتی اعلام شد روح‌الله مومن نسب، مرد پرحاشیه‌ای که طرفدار محدودیت فضای مجازی است، سرپرست ستاد امر به معروف در تهران شده، بین همین خودی‌ها چه غوغایی به پا شد؟ چه کسی فکر کرد حالا که خودی‌ها از موج برانداز در نیمسال دوم ۱۴۰۱ زخم خورده‌اند، وقتش رسیده که هر نظر مجازی شاذ و هر ایده ضداجتماعی و ناجوری را پیاده کنند و همدلی این افراد هم داشته باشد. یکی از درس‌های این اتفاقات خونبار و تلخ آن بود که جماعت تندرو به‌عنوان تهدیدی علیه امنیت ملی باید هرچه زودتر برانداز، عجیب‌ترین نظرات را عملی کند. آنها فکر می‌کنند چون بدنه دوستدار ایران و اجرای انقلاب، از این اتفاقات زخم خورده، درمرابر این تندروی‌های جدید سکوت می‌کند یا با آنها همراه می‌شود. کسانی که در شرایط عادی حتی می‌توانند نیم درصد از جامعه را با نظرات ممنوع و عجیب‌شان همدل کنند، گمان کرده‌اند که شرایط برای عملی کردن این اعوجاجات مهیاشده است. کنسرت‌ها انعطیل کنیم، با مردم برخوردهای تحریک‌آمیز و سنگینی‌را انجام دهیم، پل عابر پیاده را به دلیل چند کشف حجاب روی آن ببندیم، کودکانه‌ترین جملات را روی بیلبوردها تیرهای کنایه و لجبازی کند و صبوری به خرج دهد تا فضا دوباره به مدار گفت‌وگو برگردد. در همان ایام اغتشاشات این چالش به‌طور جدی خودش را نشان داد. طرفی از ماجرا که هم حامی نظام بود وهم معتقد به عقلانیت، با سمت دیگر ماجرا که خود را حامی نظام می‌دانست اما قصد داشت عقده گشایی هایش را به نام دفاع از نظام عرضه کند، درگیر شد. اینجا جایی بود که اتفاقا هزینه دادن و خرج کردن از خود برای ایران و انقلاب، خون دل خوردن و باز به عاطفه و مهر و منطق سخن گفتن بود، نه بیان شادترین و تندترین انگاره‌های اجتماعی به بهانه مقابله با موج روبه‌رو.

رهبر انقلاب در مقطعی از ماجرا که این تنش بین خودی‌ها ایجاد شده بود، به میدان آمدند و صراحتا سمت عقلانیت ایستادند و از آن جبهه دفاع کردند. حالا مدتی است که از آن غوغا عبور کرده‌ایم؛ هرچند رخهایش هنوز گرگزر می‌کند و عفونت در همه جای ضداجتماعی ترین نظرات مواجه شده‌ایم که می‌خواهند به بهانه انتقام از برانداران، عجیب‌ترین نظرات را عملی کنند. آنها فکر می‌کنند چون بدنه دوستدار ایران و اجرای انقلاب، از این اتفاقات زخم خورده، درمرابر این تندروی‌های جدید سکوت می‌کند یا با آنها همراه می‌شود. کسانی که در شرایط عادی حتی می‌توانند نیم درصد از جامعه را با نظرات ممنوع و عجیب‌شان همدل کنند، گمان کرده‌اند که شرایط برای عملی کردن این اعوجاجات مهیاشده است. کنسرت‌ها انعطیل کنیم، با مردم برخوردهای تحریک‌آمیز و سنگینی‌را انجام دهیم، پل عابر پیاده را به دلیل چند کشف حجاب روی آن ببندیم، کودکانه‌ترین جملات را روی بیلبوردها

هنر به روایت آمار

آمارها همه آن‌چیزی که این روزها در فضای فرهنگ و هنر کشور رخ داده را نشان نمی‌دهند. آمارها فقط می‌گویند هر چه از روزهای بهار ۱۴۰۲ می‌گذریم نسبت حضور خانوار ایرانی با رویدادها و اتفاقات فرهنگی بیشتر به مرز واقعی شدن نزدیک می‌شود. جریان سیاسی‌ای که فضای فرهنگ و اهالی هنر را به مدت شش ماه به گروگان گرفته بود، حالا در مقابل خواست و مطالبه به حق مردم برای بازگشت به زندگی عادی دست‌وپا بسته مانده است. کافی است یک بار دیگر آن فضای پرتنش و مملو از تنش‌های شهد دوم سال ۱۴۰۱ را مرور کنید؛ یک جریان پرقدرت رسانه‌ای تمام تجهیزاتش را به میدان آورده بود تا شور زندگی را از مردم بگیرد و حالا که نگاه پرشور جوانی که به یک کنسرت می‌رود یا خانواده‌ای که سرخوش از سالن نمایش تئاتر یا سینما بیرون می‌آید را می‌بینیم باید بیشتر قدر این روزها را بدانیم و مدیران و دستگاه‌های فرهنگی هم باید بیش از پیش برای توسعه این فضای پرنشاط فرهنگی، دقت نظر داشته باشند. واضح است که توسعه این فضای پرنشاط فرهنگی نیازمند نگاهی مدبرانه از جانب کارشناسان زبده حوزه فرهنگ و هنر است و هرگونه بی‌تدبیری و برخوردهای خارج از قاعده مدیریت فرهنگی، فضا را مستعد تنش‌های بعدی می‌کند.

بهار پررونق سینما

سینمای ایران در چند سال گذشته، حوادث و اتفاقات زیادی را از سر گذرانده است. با این حال در نوروز امسال بعد از گذشت یک زمستان طولانی، چراغ سالن‌های سینما دوباره روشن شد. در شش ماه دوم ۱۴۰۱ تقریبا استقبال از سالن‌های سینما زیاد نبود اما انگار بهار ۱۴۰۲ روح دیگری در سینما دمید و با وجود اینکه فیلم‌ها خیلی خاص نبودند مردم استقبال زیادی داشتند. در همین صفحه در گزارش‌های مختلف در مورد اکران‌ها و فروش سینما در بهار بسیار صحبت کردیم. طبق آمار سمفا، در بهار ۱۴۰۲، فروش کل سینماها مبلغ ۲۷۰ میلیارد و ۷۰۸ میلیون تومان بوده است و تعداد مخاطبان در این سه ماه، ۴ میلیون و ۲۱۳ هزار نفر بوده است و همچنین تعداد سانس‌ها ۱۵۶ هزار و ۷۵۸ سانس بوده است. در لیست اکران این بهار ۱۷ فیلم سینمایی از هر نوع ژانری مانند «غریب» در ژانر جنگی، «مصلحت» با ژانر سیاسی-اجتماعی و حتی «جنگ جهانی سوم» در فضای درام اجتماعی وجود دارد، اما از بین همه این ۱۷ فیلم «فسیل» در ژانر کمدی توانسته نظر تعداد قابل توجهی از مخاطبان را به خودش جلب کند و پیشتاز میزان فروش باشد. فسیل به عبارت دقیق‌تر توانسته ۷۰ درصد از میزان فروش سینمای ایران در بهار ۱۴۰۲ را به خودش اختصاص بدهد. استقبال از فیلم بسیار زیاد بود و در گزارشی به این اشاره کردیم که فسیل حتی با فیلم‌های خلق دیگری که در این بهار اکران شدند، فاصله زیادی دارد و توانسته است نظر مردم را جلب کند. در مقایسه با بهار ۱۴۰۱ باید بگویم که در این سال ۳۰ میلیون و ۵۲۴ هزار نفر به سالن‌های سینما رفته‌اند و فروش کل سینماها ۱۱۶ میلیارد تومان بوده است. بد نیست اشاره‌ای هم داشته باشیم به اکران نوروزی ۱۴۰۲ و مقایسه‌ای با اکران نوروزی سال ۱۴۰۱؛ در نوروز ۱۴۰۲ چهار فیلم جدید از ۲۵ اسفند اکران خود را آغاز کردند و تا ۱۳ فروردین، ۴۳ میلیارد و ۱۵۳ میلیون تومان فروش داشتند و ۸۶۸ هزار و ۱۱۳ نفر را به سمت سالن‌های سینما کشاندند. «فسیل» به کارگردانی کریم امینی با ۳۶ کیلومتر بیشترین فروش را به دست آورد. بعد از آن «غریب» به کارگردانی محمدرضا نوروزی با ۴ میلیارد و ۲۰۰ میلیون تومان دومین جدول فروش فیلم‌های نوروزی بود. سومین فیلم هم «عروس خیابان فرشته» به کارگردانی مهدی خسروی بوده که ۳ میلیارد و ۸۰۰ میلیون تومان فروخت و درنهایت «بچه‌های طوفان» به کارگردانی صادق صادق دقیقی در ژانر کودک و نوجوان ۲۰ میلیون تومان فروش کرد. بنابراین جمع فروش اکران نوروزی امسال کمی بیشتر از ۶۰ میلیارد تومان و تعداد کل مخاطبان سینمای کشور نیز، ۱ میلیون و ۲۱۸ هزار و ۱۰۰ نفر بوده است. اما نگاهی به فیلم‌های نوروزی سال گذشته نشان می‌دهد که ۷۱ هزار و ۳۲۸ نفر به سینماها رفته بودند و سینماها ۳۳ میلیارد و ۳۴۴ میلیون تومان فروش داشتند. سال قبل نیز ۸ فیلم از اکران سال گذشته (۱۴۰۰) نیز به نمایش خود تا ۱۳ فروردین ادامه دادند که شامل فیلم‌هایی چون «مستطیل قرمز»، «موریچه‌خواره» و «عنکبوت» بود که کل آنها ۱ میلیارد و ۱۲۰ میلیون تومان فروش کردند و ۳ هزار و ۷۷۸ نفر را به سینما کشاندند. بنابراین جمع کل فروش فیلم‌های نوروزی سال گذشته ۳۴ میلیارد و ۴۶۴ میلیون تومان و جمع کل تعداد مخاطبان آن ۹۰۲ هزار و ۱۰۶ نفر بوده است. از این رو تعداد مخاطبان و فروش اکران نوروزی امسال در مقایسه با سال گذشته نشان می‌دهد که تعداد مخاطبان فیلم‌های نوروزی امسال (۱,۲۱۸,۹۱۰) ۳۵ درصد از سال گذشته (۹۰۲,۱۰۶) ۳۱۶ هزار و ۸۰۴ نفر بیشتر است که چیزی معادل ۲۵ درصد است. البته در موضوع فروش فیلم‌ها تنها افزایش مخاطبان اثرگذار نبوده بلکه افزایش قیمت بلیت‌ها نیز اثر داشته است. در هر حال سینماهای کشور ۲۵ میلیارد و ۵۳۶ میلیون تومان نسبت به سال گذشته بیشتر فروش داشته‌اند.

صف برای کتاب

قبل از اینکه سی‌وچهارمین نمایشگاه کتاب تهران شروع شود، درست مانند جشنواره‌های قبلی که در این چند ماه بعد از شهریور ماه ۱۴۰۱ گذاردیم، حرف از تحریم و نیامدن بود. از طرفی هر ناشری که قصد شرکت داشت، با کلمه «بی‌شرف، از جانب رسانه‌های آن طرف آبی مواجه می‌شد. حتی اسامی برخی از ناشران هم بیرون آمد که قصد شرکت ندارند اما به یک روز نرسید که تکذیبیه‌ها می‌آمد و این ناشران می‌گفتند که در بخش مجازی نمایشگاه حضور دارند. در همان زمان هومان حسن‌پور، رئیس اتحادیه ناشران و کتابفروشان تهران در گفت‌وگویی با فارس درباره این موضوع گفت: «ناشرانی را داریم که به یکی از دو روش موجود در نمایشگاه شرکت کردند. شاید در این بین ناشرانی بنا به دلایل مختلفی شرکت نکنند، اما طوری که ما جویا شدیم هیچ کدام از ناشران به‌طور مشخص دلیل سیاسی نداشتند. سال آینده نیز امکان دارد ناشرانی همانند دوره‌های گذشته ثبت‌نام نکنند و این نبودن‌ها می‌تواند دلایل اقتصادی، شخصی و... نیز داشته باشد. نمایشگاه کتاب تهران بعد از این حواشی، بسیار پرشور برگزار شد و مردم استقبال زیادی از این نمایشگاه کرده و تعداد بازدیدکننده نمایشگاه کتاب اعلام شد، این دوره از شلوغ‌ترین دوره‌های نمایشگاه کتاب بود. طبق آمار سخنگوی این دوره از نمایشگاه کتاب مجموع فروش سی‌وچهارمین نمایشگاه کتاب تهران بیش از ۴۰۱ میلیارد تومان عنوان شد و ۲۵۱ میلیارد و ۲۹۰ میلیون تومان در بخش حضوری و ۱۴۹ میلیارد و ۸۰۰ میلیون تومان در بخش مجازی کتاب خریداری شد. تعداد کتاب‌های خریداری‌شده بیش از ۳,۵ میلیون نسخه تخمین زده شد و تعداد نسخه‌های فروش‌رفته در بخش مجازی (دقیق) ۱,۳۶۹,۶۰۶ نسخه بوده است و تخمین تعداد نسخه‌های فروش‌رفته در بخش حضوری (براساس میانگین قیمت کتاب‌های فروش‌رفته در بخش مجازی) ۵ دو میلیون ۲۹۷ هزار و ۵۲۹ نسخه بوده است. نمایشگاه کتاب معمولا بین ۵ تا ۶ میلیون نفر در ادوار مختلف بازدیدکننده داشته است اما برای نمایشگاه سی‌وچهارم از آمار ۷ میلیونی هم سخن می‌گویند و به گفته محمدمهدی اسماعیلی، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، امسال بین ۵ تا ۷ میلیون نفر از نمایشگاه بازدید کردند و روز سه‌شنبه، ۲۶ اردیبهشت ماه شلوغ‌ترین روز نمایشگاه کتاب بود و حتی شنبه ۳۰ اردیبهشت هم که روز آخر نمایشگاه کتاب بود باز هم به‌عنوان یکی از روزهای شلوغ نمایشگاه ثبت شد. البته در کنار این موضوع باید بگوییم حوزه کتاب تقریبا غیر از نمایشگاه کتاب، روزهای برپایی را در بهار ۱۴۰۲ گذراند. از افتتاح کتابخانه‌های مختلف در استان‌ها تا برگزاری جشنواره‌های فرهنگی و هنری مثل جشنواره قصه گویی که نهاد کتابخانه‌های عمومی آن را برگزار کرده و گفتیم اما حتما اجرا کردن این نمایش آن هم چند ماه روی صحنه نگه داشتن کار سخت و پیچیده‌ای است و مساله مهم دیگر این است که روی صحنه شاهنامه فردوسی را می‌بینیم که برای همه ما که علاقه به زبان فارسی داریم ساخته شدن چنین نمایش‌هایی بسیار ارزشمند و مهم است.

ادامه در صفحه ۱۳

ادامه از صفحه ۱۲

۴۰۰ کنسرت بدون حاشیه

همین چند روز پیش در صفحه فرهنگی در مورد کنسرت‌ها و حواشی‌ای که برای برگزاری این رویداد فرهنگی پیش آمده بود، نوشتیم. اهالی موسیقی به نسبت هنرهای دیگر، روزهای سخت و تلخ زیادتری را گذراندند. درست است که بازگشت‌شان برای برگزاری کنسرت‌ها به‌سختی انجام شد اما بهار ۱۴۰۲ روزهای خوبی برای اهالی موسیقی بود. بیایید کمی به عقب برگردیم؛ «نیم‌فصل لیگ فوتبال تمام شد، همه فوتبال‌شان و شغل‌شان را انجام دادند و میلیاردها پول ردوبدل شد. مثل پزشکان، رستوران‌داران، خلبانان، مغازه‌داران، مکانیکی‌ها، شیرینی‌فروش‌ها و... ولی کسی بابت انجام شغل‌شان به آنها دشنام نمی‌دهد! انجام این مشاغل عادی‌سازی هم به حساب نمی‌آید ولی نوازندگان موسیقی از زمان شروع کرونا بیکارند و این روزها به فروختن ساز و وسایل شخصی روی آورده‌اند. می‌گویند فوتبالیست‌ها در این شش‌ماه خوشحالی بعد از گل انجام ندادند. من فدای هنرمندانی که سال‌هاست نه شادی پس از اجرا دارند و نه قبل از آن!...»

این حرف‌های محمد معتمدی در دی‌ماه ۱۴۰۱ حرف بسیاری از اهالی موسیقی بود که از شرایطی که بر صنعت موسیقی حاکم شده بود گلایه داشتند. ضربی که به جان موسیقی نشسته بود و تا حرفی از برگزاری کنسرت می‌شد، با هجمه‌های سنگین رسانه‌ای علیه فعالان این حوزه صحبت از برگزاری کنسرت‌ها می‌شد. بعد از برگزاری جشنواره موسیقی فجر، اما اوضاع خود دیگری رقم خورد و تقریبا کنسرت‌ها توانستند اوضاع بهتری پیدا کنند. همزمان با آغاز بهار با وجود اینکه با ماه مبارک رمضان همراه بود، اما کنسرت‌ها برگزار شدند. در فروردین ۱۴۰۲ و از ابتدای سال جدید حدود ۹۲ کنسرت برپا شد. همزمان با پایان ماه مبارک رمضان و عید سعید فطر بسیاری از خوانندگان کنسرت‌هایی را در تهران و به‌خصوص شهرستان‌ها تدارک دیدند. طبق آمار در پایان بهار ۱۴۰۲ بیش از ۴۰۰ کنسرت در کل کشور برگزار شده است که تقریبا از همه این کنسرت‌ها استقبال خوبی شده و به سالن‌های متعددی رسیده‌اند. طبق گزارشی که هفته گذشته منتشر کردیم برگزاری همه این کنسرت‌ها بدون حاشیه، در یک فضای آرام و با حضور حداکثری مردم بوده است. استقبال از کنسرت علیرضا قربانی به‌حدی بود که چندین بار تمدید شد. تنها حاشیه کنسرت‌های سال جدید اتفاقات چند شب پیش در کنسرت گروه لیان بود. بحران آفرینی‌ای که سودش بیشتر برای کسانی است که هیچ ربطی به حوزه فرهنگ ندارند و نان‌شان در دوقطبی‌سازی‌هاست. اما به غیر از برگزاری کنسرت‌ها برنامه‌های موسیقایی دیگری نیز تدارک دیده شده است؛ از جمله جشنواره بین‌المللی «ماه امت» که با حضور هنرمندان و خوانندگانی از کشورهای ایران (مجید اخشابی و غلامرضا صنعتگر)، پاکستان، افغانستان، لبنان و یمن از ۲۹ فروردین تا هشتم اردیبهشت در مشهد برگزار شد. این جشنواره با رویکرد هویتی و جهان اسلام و تبادل فرهنگی برنامه‌ریزی شده و اجرای خوانندگان نیز در این راستا و با موضوع مشهد، امام رضا(ع)، آواها و نواهای اسلامی است. رویداد فرهنگی و هنری، نمایشگاه صنایع‌دستی اقوام ایرانی، غذا و خوراکی‌های کشورهای مختلف نیز در حاشیه جشنواره «ماه امت» برپا شده است.

همچنین منطقه فرهنگی و گردشگری عباس‌آباد، ۱۷، ۲۹، ۳۰، ۳۱ فروردین و یکم تا دوم اردیبهشت برنامه «شب‌های لبخند» را با بخش‌های مختلف فرهنگی و هنری و کنسرت‌های موسیقی به‌صورت رایگان در بوستان آب و آتش برگزار کرد. اجرای گروه موسیقی «رونا» را اقوام استقبال‌کننده ایران زمین و کنسرت خوانندگان؛ حمید عسکری، محسن میرزاده نوازنده دوتار و خواننده با اجرای ترانه‌های محلی خطه خراسان (امیر تاجیک، سینا درخشنده، علی عبدالمالکی) از جمله این برنامه‌ها بود. همچنین جمعی از خوانندگان موسیقی پاپ نیز کنسرت‌هایی را در دبی، اروپا و آمریکا برگزار کردند. کنسرت‌های علی یاسینی ۲۲ آوریل (دوم اردیبهشت)، رضا صادقی ۲۳ آوریل (سوم اردیبهشت) و علیرضا طلیسچی ۲۴ آوریل (چهارم اردیبهشت) در سالن هتل جمیرا دبی برگزار شد. کنسرت رضا بهرام دیگر خواننده موسیقی پاپ ۲۸ آوریل (هشتم اردیبهشت) در وین اتریش، ۲۹ آوریل (نهم اردیبهشت) در برلین، ۳۰ آوریل (دهم اردیبهشت) در گوتنبرگ، یکم می (۱۱ اردیبهشت) در هامبورگ آلمان برگزار شد.

جذاب و باکیفیت

شبکه نمایش خانگی از بدو شروع به کار تا به الان توانسته مخاطبان زیادی داشته باشد، فارغ از حواشی‌ای که این روزها بین این شبکه و ساترا وجود دارد و موضوع مورد بحث ما نیست، می‌خواهیم در این بخش از سریال‌ها و برنامه‌های جدید بگوییم که در بهار ۱۴۰۲ توانستند رونق را به شبکه نمایش خانگی بیاورند.

سریال «پوست شیر» تولید ۱۴۰۱ بود اما در بهار ۱۴۰۲ به پایان رسید، سریالی که بسیار پرمخاطب بود. پوست شیر به لحاظ بازار و شیوه روایت یک تجربه جدید برای برادران محمودی بود و می‌توان گفت از بقیه کارهایشان یک سر و گردن بالاتر قرار می‌گیرد. هدایت بازیگران و به اجرا درآمدن کامل فیلمنامه در تصویر به‌درستی صورت گرفته است. همه چیز در این سریال به اندازه و درست به اجرا درآمده بود و بازیگران در جای خود به‌درستی قرار گرفتند و همین باعث شد تا پوست شیر برای مخاطبان جذاب باشد و در فضای مجازی هم برای قسمت آخر و اینکه چه اتفاقی می‌افتد، بحث‌های زیادی پیش بیاید.

سریال «مگه تنهم عمر چندتا بهاره»، عنوان جدید سریال شبکه نمایش خانگی است که توسط سروش صحت و ایمان صفایی نوشته شده و محمدرضا تخت‌کشیان تهیه‌کنندگی این سریال را برعهده دارد. در این سریال زندگی آرام اعضای خانواده ربانی به دلیل رود ناخواسته یک مار، کشف یک نسخه خطی نفیس و یک سوراخ مرموز دستخوش تغییراتی می‌شود.

مسابقه «صداتو» به کارگردانی و تهیه‌کنندگی حامد جاودزاده عنوان تازه‌ترین پروژه غیرداستانی فیلیمو است که با زمینه معمایی-موسیقایی و جنبه سرگرمی تا به حال ۳ قسمت آن منتشر شده و با توجه به اینکه موسیقی جذابیت‌های خاص خودش را دارد این مسابقه هم تا به الان مورد استقبال مخاطبان شبکه نمایش خانگی قرار گرفته است.

سریالی که بسیار پرمخاطب بود، پوست شیر به لحاظ بازار و شیوه روایت یک تجربه جدید برای برادران محمودی بود و می‌توان گفت از بقیه کارهایشان یک سر و گردن بالاتر قرار می‌گیرد. هدایت بازیگران و به اجرا درآمدن کامل فیلمنامه در تصویر به‌درستی صورت گرفته است. همه چیز در این سریال به اندازه و درست به اجرا درآمده بود و بازیگران در جای خود به‌درستی قرار گرفتند و همین باعث شد تا پوست شیر برای مخاطبان جذاب باشد و در فضای مجازی هم برای قسمت آخر و اینکه چه اتفاقی می‌افتد، بحث‌های زیادی پیش بیاید.

شاهنامه روی صحنه

در حوزه تئاتر هم این روزها اوضاع خوبی حاکم بود و اجراهای متعددی روی صحنه رفت اما شاید مهم‌ترین اجرا را باید به نمایش «هفت خان اسفندیار» اختصاص دهیم، نمایشی که به کارگردانی حسین پارسایی و با طراحی حرکات نمایشی علی براتی که پیش از این طراحی حرکت نمایش‌های «دریادلان»، «مری پاپینز» و «سیصد» را در کارنامه خود دارد روی صحنه رفته است.

این نمایش برداشتی آزاد از شاهنامه فردوسی، حکایت سفر پرماجرای اسفندیار روییین‌تن به قصد رهاندن خواهرانش هماى و به‌آفرید از چنگ تورانیان را روایت می‌کند. این کار محصول سازمان رسانه‌ای هنری اوج و با همکاری بنیاد فرهنگی هنری رودکی تولید شده است. از این کار با استقبال خوبی هم شده و چند ماهی می‌شود که روی صحنه است. البته در صفحه‌ای که به بهانه این نمایش منتشر کردیم ایراد و اشکالات این نمایش را هم گفتیم اما حتما اجرا کردن این نمایش آن هم چند ماه روی صحنه نگه داشتن کار سخت و پیچیده‌ای است و مساله مهم دیگر این است که روی صحنه شاهنامه فردوسی را می‌بینیم که برای همه ما که علاقه به زبان فارسی داریم ساخته شدن چنین نمایش‌هایی بسیار ارزشمند و مهم است.

گزارش

در اولین برنامه فصل جدید «پاتوق مستند» مطرح شد

تفرشی: «بی‌وتن‌ها» مستندی هشداردهنده برای ضعف ایران در دیپلماسی عمومی است

جلسه نمایش و نقد و بررسی مستند بی‌وتن‌ها، به کارگردانی حسین شمقدری به‌عنوان اولین برنامه از فصل جدید برنامه پاتوق مستند، روز گذشته اول تیرماه در سینما سپیده برگزار شد.

اولین برنامه از فصل جدید برنامه پاتوق مستند که از سال ۱۴۰۱ توسط سازمان سینمایی سوره و در راستای هم‌اندیشی و هم‌افزایی میان مستندسازان و علاقه‌مندان به سینمای مستند راه‌اندازی شده بود، روز پنجشنبه اول تیر با نمایش و نقد و بررسی مستند بی‌وتن‌ها، به کارگردانی حسین شمقدری و تهیه‌کنندگی محمدحسن مددی در سینما سپیده برگزار شد.

حامد شکیبانیا که اجرای این برنامه را برعهده داشت، بیان کرد: «بیشتر مستندهایی که حسین شمقدری می‌سازد، غیرقابل پخش است اگرچه خود این اتفاق را مثبت ارزیابی می‌کند. امیدواریم بی‌وتن‌ها به کمک شبکه‌های مجازی و رسانه‌های اجتماعی امروز به‌دست مخاطبان برسد؛ چراکه این مستند تلاش یک فرزند برای رساندن فریاد مظلومیت پدرش از طریق مستند و رسانه است.»

حسین شمقدری، کارگردان بی‌وتن‌ها در ادامه عنوان کرد: «من مستندساز احساسی می‌کنم باید ظلمی که در تاریخ ما بر برخی افراد گذشته و کمتر دیده شده است، در قالب مستند روایت کنم. همچنین باید بگویم که پشت سینمایی که ظاهرش زیبا و هنر است، یک جنگ نمایانی است.»

وی ادامه داد: «اینکه چون پدرم در سینما بود، من وارد این حوزه شدم، دلیل محکمی برای مستندسازی‌ام نیست. اگرچه من از بچگی در پشت صحنه بزرگ شدم و حتی سال ۸۸ هم بچه‌های دانشگاه شریف از من خواستند اثری بسازم. شاید بتوانم بگویم علت اصلی من برای حضور در حوزه مستندسازی انگیزه و دغدغه‌ای بود که داشتم و تصور می‌کنم باید نسبت به سینمای داستانی پررنگ‌تر باشد.»

این مستندساز با بیان اینکه مجید نوری، فرزند حمید نوری را که سوژه بی‌وتن‌هاست، بسیار اتفاقی در یک پاساژ ملاقات کرد و همین مساله دلیل ساخت مستند شد، عنوان کرد: «ایشان به من گفت که پدرم را در سوئد زندانی کرده‌اند و هم‌اکنون در انفرادی است. مجید نوری از من خواست با دغدغه خودش مستند بسازیم و حتی هزینه سفر را هم پرداخت کرد. ما این مستند را هم‌اکنون در سایت «یک فیلم» می‌فروشیم و بخشی از درآمد را به مجید نوری پرداخت می‌کنیم تا هزینه‌ای را که برای پروژه کرد، به او بازگردانیم.»

شمقدری ادامه داد: «روز اولی که می‌خواستم روی این مستند کار کنم به من گفتند که سازمان مجاهدین خلق مخوف است و اگر کسی کمتر ممکن است با آنها ارتباطی داشته باشد، سازمان مجاهدین خلق از نظر مالی، قدرت، توانایی بالایی دارد و توانسته خود را با اقداماتی که انجام داده است، سر زبان‌ها بیاندازد و به جلو حرکت کند. با این تفاسیر به‌دلیل آنکه اعتقاد دارم اگر زندگی می‌کنم یک آرمانی دارم، خطر را به جان خریدم و براساس وظیفه به سراغ ساخت این اثر رفتم. همچنین معتقدم ساخت این مستند روزی من بوده است تا ثبت شود و در تاریخ بماند.»

وی یادآور شد: «روزی که ما وارد سوئد شدیم، بدون خبر قبلی به دادگاه رفتیم و من شناسایی شدم. شاید برایتان جالب باشد بدانید که افراد حاضر در آنجا در لحظه برایم شعار ساختند و گفتند «مستندساز ولایت برگرد بر وزارت سفارت.» همچنین همان شب اول کمپینی تشکیل شد که به پلیس امنیت سوئد گزارش داد. شبی که این هجمه‌ها شکل گرفت، استخاره کردم که خوب آمد. و همین باعث شد ترسم بریزد و کارم را انجام دهم.»

کارگردان بی‌وتن‌ها، با بیان اینکه قبل از سفر با سوئد دو ماه به‌صورت فشرده پژوهش کرده است، گفت: «در تحقیقاتم متوجه شدم افرادی که در شروع تشکیل سازمان مجاهدین خلق بودند، آدم‌های عمیق و اهل مطالعه بودند که فلسفه فکری داشتند، اما در حال حاضر این گونه نیستند و بسیار سطحی شدند. البته بخشی از اتفاقات در مستند روایت نشد؛ چراکه ما با سازمان جنایتکار و مخوفی طرف بودیم.»

شمقدری در پایان با بیان اینکه مستند بی‌وتن‌ها در دو سفر و براساس تجربه شخصی ساخته شده است و اثر پژوهشی نیست، خاطرنشان کرد: «ذکر این نکته خالی از لطف نیست که در زمینه دادگاه حمید نوری رسانه‌های خارجی بسیار قوی کار کردند و مستندهایی ساختند، اگرچه واضح است که با حمایت‌های سیاسی این آثار ساخته شده است. اثر من، اولین کاری است که از نسبت ما یعنی ایران صورت گرفت. همچنین در حوزه خبر هم ضعیف عمل کردیم و متاسفانه در رسانه‌ها اثبات شد یک جایی از گفته‌ها و به این مساله یقین دارند. اینها همه برای جریان آن نسبت است